

## بررسی تطبیقی آراء سید ابو الاعلی مودودی و سید محمدحسین فضل الله

محمد نظیر عرفانی\*

### چکیده

سید حسین فضل الله و ابو الاعلی مودودی دو اندیشمند معاصر اسلامی که متعلق به دو حوزه فکری اصلی در جهان اسلام (تشیع و تسنن) می باشند و هر کدام در قالب و درون حوزه فکری خویش به بیان آرا و نظریه های خود پرداخته اند، یافته های تحقیق حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و جمع آوری کتابخانه ای صورت پذیرفته حاکی از آن است که در اندیشه های این دو متفکر هر چند شباهت های زیادی در مباحثی همچون احیای اسلام، توجه به عنصر زمان و مکان، استعمارستیزی، لزوم حکومت اسلامی، تفسیر عصری و اجتماعی یافت می گردد ولی تفاوت های بنیادینی که در اندیشه های این دو متفکر وجود دارد به مبانی و ساختارهای جداگانه مذاهب شیعه و اهل سنت ارتباط دارد که در طول تاریخ در قالب دو جریان فکری تشیع و تسنن رخ نموده است، نمونه آن بحث امامت و ولایت فقیه در اندیشه علامه فضل الله و خلافت در اندیشه مودودی می باشد، لذا می توان تفاوت های اندیشه های این دو متفکر را ناشی از الزاماتی دانست که در ساختار مذاهب شیعه و اهل سنت وجود دارد و بخش دیگر از

\*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم اجتماعی، جامعه المصطفی العالمیه،

این تفاوت‌ها همچون اختلاف دیدگاهشان در ارتباط با مباحث اجتماعی زنان ناشی از عنصر زمان و مکان می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** ابو الاعلی مودودی، محمدحسین فضل‌الله، تفهیم القرآن، من وحی القرآن، جهاد، حکومت.

### مقدمه:

قرآن کریم کتابی است که تازگی آن با گذشت زمان کاهش نمی‌یابد و در هر عصری می‌توان راه هدایت را از آن فرا گرفت، به همین جهت به رغم کثرت تفاسیر قرآن، نمی‌توان به آنچه که هست کفایت نمود و قانع شد، باید همواره در جستجوی ابعاد جدید در شناخت مفاهیم قرآن بود و این امر امکان‌پذیر نیست مگر اینکه بینیم دیگران در این خصوص چه کرده‌اند و تلاش و پژوهش آنها چه ره‌آوردی در برداشته است. به همین جهت نقد و بررسی آرا و اندیشه‌های مفسران به ویژه مفسران معاصر امری ضروری می‌نماید که در این بین مفسرانی با گرایش تفسیر اجتماعی جایگاه خاصی را در پرداختن به ابعاد جدید تفسیری دارا می‌باشند، سید محمدحسین فضل‌الله از مراجع تقلید شیعه که از ایشان به عنوان پدر معنوی حزب‌الله لبنان یاد می‌گردید و فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی گسترده‌ای در لبنان انجام داد و فتاوایش در زمینه وحدت مسلمین، عزاداری و حقوق زنان مورد توجه و مناقشه بوده است، ابوالاعلی مودودی روزنامه‌نگار، مسلمان طرفدار احیای مذهبی، فیلسوف سیاسی، و متفکر اسلام‌گرای سده ۲۰ (میلادی) در هندوستان و پاکستان بود. وی همچنین یک شخصیت سیاسی در پاکستان و مؤسس جماعت اسلامی پاکستان می‌باشد. این حزب به لزوم احیای اسلام

واقعی اعتقاد دارد، نظریه پردازی‌های وی موجب به وجود آمدن جریان‌های رادیکال در میان جنبش‌های اسلامی معاصر شد.

از آنجا که تقابل یا تناظر دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مفسران، نکته‌های سودمندی برای پژوهشگران قرآنی دارد و پرده از رویکردهای متفاوت بر می‌دارد، بر آن شدیم که در این نوشتار دیدگاه‌های دو مفسر مطرح شیعی و اهل سنت، علامه سید محمدحسین فضل‌الله و سید ابوالاعلی مودودی که هر دو در تفاسیر خویش بر گرایش اجتماعی توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند را مورد مطالعه قرار دهیم.

### پیشینه

پیشه موضوعی بحث از اندیشه‌های مفسرانی همچون علامه مودودی و علامه فضل‌الله که گرایش اجتماعی در تفسیر خویش دارند به دو سده اخیر و در اثر رویارویی جهان اسلام با دنیای غرب بر می‌گردد که توسط اندیشمندانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده شکل گرفت، در تفسیر اجتماعی مفسر بر این نکته تاکید دارد که قرآن تنها برای یک دوره خاص نمی‌باشد بلکه در هر زمانی راه هدایت را برای انسان روشن می‌سازد لذا سعی مفسر بر این است که آیات قرآن را بر متن واقعیت عرضه و پاسخ قرآن را در مورد چالش‌ها و پرسش‌های زمان استخراج نماید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۲۸۱) این گرایش تفسیری معاصر، نقش مهمی در اعطای آگاهی‌های اجتماعی با الهام‌گیری از نص و حیانی داشته است.

پیشینه آثار در خصوص موضوع مورد بحث این مقاله به صورت عمومی در کتابهای ذیل بحث گردیده است: المفسرون حیاتهم و منهجهم، سید محمد علی ایازی؛

التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت؛ طبقات مفسران شیعه، عقیقی بخشایشی.

مقالات در خصوص مسئله تحقیق حاضر عبارتند از: نگاه مختصری به اندیشه های ابو الاعلی مودودی، فیاض زاهد و ماجد صدقی؛ جایگاه زن از منظر سید ابو الاعلی مودودی؛ تفکر اسلامی در پاکستان معاصر میراث علامه مودودی، عبد الرشید موتن ترجمه مصطفی هدائی؛ علامه محمد حسین فضل الله و اندیشه همزیستی اجتماعی در تفسیر آیات قرآن، مرضیه محمص؛ ساختار شناسی تفسیر من وحی القرآن، شمس الله معلم کلائی؛ اندیشه سیاسی آیت الله سید محمد حسین فضل الله، مجید مرادی؛ من وحی القرآن تفسیری اجتماعی و واقع گرایانه، حامد شیواپور.

با توجه به پیشینه فوق تا کنون تحقیقی در خصوص بررسی تطبیقی آراء سید ابو الاعلی مودودی و سید محمد حسین فضل الله صورت نپذیرفته است.

### بررسی تطبیقی آراء مودودی و فضل الله

این نوشتار در صدد است که ضمن معرفی اجمالی هر یک از این دو اندیشمند، به تبیین و تحلیل و مقایسه و ارزیابی آراء آنان بپردازد.

#### ۱. آشنایی با آراء و اندیشه های سید ابو الاعلی مودودی

ابو الاعلی مودودی، روزنامه نگار، سیاستمدار، مؤسس جماعت اسلامی، مفسر و متفکر اسلامی در سال ۱۹۰۳ م در هندوستان چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۷۹ م وفات یافت (گیلانی، ۱۳۸۰ش: ۱۲)

نظریه پردازی های وی موجب به وجود آمدن جریان های رادیکال در میان جنبش های اسلامی معاصر شد.

احمد حسن، پدر مولانا مودودی از نخستین دانشجویانی بود که در کالج انگلیسی - شرقی سید احمدخان به تحصیل پرداخت.

پدرش ابتدا به مدرنیته روی آورد و سپس از آن گریزان شد و به دامن تعالیم صوفیانه و عرفانی پناه برد. ابوالاعلی در چنین زمانی (هنگام روی گردانی پدر از مدرنیته و روی آوردن به عرفان) تولد یافت. در سال ۱۹۰۳ در شهر اورنگ آباد از ایالت حیدرآباد هند به دنیا آمد، مودودی درباره‌ی پدرش می‌گوید: «او مرا به روش عالی تربیت کرد و منطق درست را به من یاد داد. هر شب برایم داستان‌های پیامبران و انبیاء و رویدادهای تاریخ اسلام و اتفاقات هند را تعریف می‌کرد. به اخلاق بسیار اهمیت داد. همیشه مرا نزد دوستانش می‌برد. همه آنان از نظر علم و دانش جایگاه والایی داشتند. عادت‌های نیکو و خوب را از هم‌نشینی با آنان به ارث بردم». (گیلانی، ۱۳۸۰ش: ۲۰) نوجوانی‌اش را به عنوان یک روزنامه‌نگار گذراند. سردبیری روزنامه «تاج» در شهر جبلپور هند سردبیری روزنامه «مسلم» و روزنامه «الجمعیت» هر دو از نشریات جمعیت علمای هند سردبیر روزنامه‌ی «همدرد».

چند سال بعد، او ماهنامه‌ای تحت به نام «ترجمان القرآن» که به ترجمه و تفسیر قرآن اختصاص داشت منتشر کرد و تا پایان زندگی خود در سال ۱۹۷۹ به انتشار آن ادامه داد.

وی به دعوت اقبال لاهوری از حیدرآباد به لاهور مهاجرت کرد در سال ۱۳۱۶ ق در سالهای ۳۹-۱۹۳۷ مودودی در پروژه دار الاسلام که مجموعه‌ای متشکل از مدارس و مؤسسات خیریه بود مشارکت جست و در آنجا بود که با علامه اقبال آشنا شد. مودودی مسئولیت موسسه خیریه را در دار الاسلام عهده دار شد و البته به مسئولان این موسسه قول داد که سیاست را در کار خود مداخله ندهد. به هر حال با

درگذشت محمد اقبال در سال ۱۹۳۹، مودودی نیز به همکاری خود با دار الاسلام پایان داد. (گیلانی، ۱۳۸۰ش: ۲۴).

#### ۱-۱. آثار علمی

مودودی بیش از ۱۴۰ عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی تألیف نموده است، وی در سن ۱۱ سالگی کتاب (زن معاصر) نوشته قاسم امین، از متفکران فمینیست مصری را به اردو ترجمه کرد.

و در سال ۱۹۳۱ در موسسه ترجمه، جایی که برادرش اشتغال داشت، به کار مشغول شد و در مدت کار در این موسسه آثاری را به اردو ترجمه کرد که از جمله آنها اسفار اربعه ملا صدرا بود، ایشان در سال ۱۹۳۲ کتاب به سوی درک اسلام را به درخواست رئیس آموزش و پرورش حیدرآباد نوشت. این کتاب در آن زمانه متن خوبی بود که می‌توانست پاسخگوی سوالات مسلمانان و غیر مسلمانان درباره ماهیت اسلام باشد.

عناوین برخی از تالیفات ایشان به شرح ذیل می‌باشد:

تمدن اسلامی (اصول و مبادی آن) (۱۹۳۲ م)، تئوری سیاسی اسلام (۱۹۳۹ م)، تجدید و احیاء دین (۱۹۴۰ م)، اصطلاحات چهارگانه در قرآن (۱۹۴۰ م)، اسلام و جاهلیت (۱۹۴۱ م)، اصول اخلاقی جنبش اسلامی (۱۹۴۵ م)، دین حق (۱۹۴۷ م)، نظام زندگی در اسلام و اصول اساسی آن (۱۹۴۸ م)، حقوق اهل ذمه (۱۹۴۸ م)، خواسته های اسلام از زن مسلمان (۱۹۵۳ م)، مساله ی قادیانیه (۱۹۵۳ م)، تفسیر تفهیم القرآن: در هفت جلد؛ آغاز آن در (۱۹۴۱ م) و پایان آن در (۱۹۷۲ م)، سیره پیامبر صلی الله علیه وسلم، آغاز (۱۹۷۲ م).

از دیگر تالیفات اوست: أسس الاقتصاد بين الإسلام والنظم المعاصرة، معضلات الإنسان الاقتصادية وحلها في الإسلام، إلى أي شيء يدعو الإسلام، الربا، الحجاب، الإسلام في مواجهة التحديات المعاصرة، الإسلام والمدنية الحديثة، تذكرة دعاء الإسلام، في محكمة العقل، قضية كشمير المسلمة، مسألة ملكية الأرض في الإسلام، مفاهيم إسلامية حول الدين والدولة، نحن والحضارة العربية الرأسمالية والشيوعية، نظرة عابرة على حقوق الإنسان الأساسية. (گیلانی، ۱۳۸۰ش: ۸۸)

تفسیر تفهیم القرآن از مهمترین آثار سید ابو الاعلی مودودی است که برای آگاهی و هدایت مخاطب و مردم ناآشنا به مفاهیم قرآن و با زبانی ساده و رسا نوشته شده و هدف مودودی از ترجمه و توضیحات، تأمین نظر اهل فن و تخصص نبوده تا بحث‌های آکادمیک فنی و مباحث ادبی و یا نکات بلاغت و اعجاز و احکام را مطرح سازد. او می‌خواهد خواننده را با پیام وحی آشنا سازد و در آشنایی، در زندگی و رفتار آنان اثر بگذارد و منشای تحولات و حیات اجتماعی آنان گردد.

#### ۲-۱. اندیشه‌های ابو الاعلی مودودی

کسی که اولین بار در عالم اسلامی سخن از علم اسلامی کرد «ابوالاعلی مودودی» بود. مودودی، متعلق به جریانی است که بنیادگرا خوانده می‌شود. این جریان در واکنش به مدرنیته شکل گرفته و معتقد به بازگشت به سنت‌های اصیل اسلامی بدون هرگونه وسوسه برای انطباق آن با آموزه‌های بشری است. یکی از بارزترین مشخصه‌های مودودی، رویکرد انکاری وی نسبت به پدیده‌های غربی بوده‌است. مودودی با صراحت اعلام کرد که اسلام، دموکراسی و لیبرالیسم نیست. اسلام تنها اسلام است و مسلمانان باید تصمیم بگیرند یا مسلمانی ناب باشند و به خدا شرک نورزند یا از رویارو شدن با جهان بر سر اسلام و مقتضای ایمان خویش اجتناب ورزند. مودودی تأکید دارد که

اسلام واجد قوانین متعدد و گوناگونی برای نظام اجتماعی و مدنی است. او با تأثیرپذیری از ایدئولوژی‌های مدرن غربی، تلاش کرد اسلام را ایدئولوژی‌ای فراگیر و متمایز و برتر از نظام‌های سرمایه‌داری و کمونیسم معرفی کند.

مودودی با وجود تلاش برای نشان‌دادن تقابل میان مفاهیمی اسلامی با مفاهیم غربی، ایده‌هایی مانند ایدئولوژی اسلامی، حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی را از مفاهیم تمدن غربی اقتباس کرد. برای نمونه، منظور او از حکومت اسلامی، یک دولت غربی مدرن با همه ساختارهای سیاسی آن مانند مجلس، قوه قضائیه مستقل، قانون اساسی و... است.

#### ۱-۲-۱. اجتهاد

مودودی معتقد است برای تجدید و احیای دین، صرفاً احیای علوم دینی و زنده‌سازی روح پیروی از شرع کافی نیست؛ بلکه نیاز به یک حرکت و جنبش فراگیر اسلامی است که بر همه علوم، افکار و صنایع و تمام ابعاد زنده‌گی تأثیرگذار باشد و آن مهم، به نیروی اجتهادی تازه‌یی نیاز دارد؛ از این‌رو خود او در جهت احیای اجتهاد اسلامی - علاوه بر مبارزه با روحیه جمودگرایی و تقلید و علاوه بر ترویج و احیای ضرورت روحیه اجتهاد - عملاً وارد حوزه اجتهاد و نظریه‌پردازی شده است.

در واقع، او به ضرورت اجتهاد معتقد بود، البته اجتهادی که خارج از هنجارها و موازین شرعی قرار نگیرد. (عنایت، ۱۳۸۰ش: ۱۸۱).

#### ۱-۲-۲. وظیفه علمای اسلام

با شکوه تمدن غرب رو به رو شد و آن را با آرامش و متانت مطالعه کرد و متوجه شد که این شکوه منحصر در کمونیستی، قوم‌گرایی و آزادی به عنوان سه بت مورد



پرستش به جای خداست؛ و مودودی چکش بت شکنی خود را برداشت و آنان را تکه پاره کرد. (البیومی، بی تا: ۵۱۷)

از نظر او، اسلام دینی فطری و همچنین جهان شمول و یک ایدئولوژی جامع و مطلق است که قابلیت پاسخگویی به مقتضیات عصر را دارد و می تواند مبنای نظم اجتماعی و زندگی مدنی قرار گیرد. در حالی که در مقابل، تمدن جدید از همان آغاز، همواره در تعارض با دین به سر می برد و در واقع، تمدن جدید، مولود مبارزه ای است که عقل و تجربه با دین و ایمان به عمل آورده اند. (مودودی، ۱۳۴۸ش: ۲۵)

به اعتقاد مولانا مودودی، وظیفه علمای اسلام آن است که مبادی و اصول تمدن جدید را به خوبی بیاموزند؛ برای کسب علمی که بن مایه تمدن جدید به شمار می روند، به غرب هجرت کنند؛ نیروی فکری خویش را به کار اندازند و اکتشافات علمی و روش علمی پیشرفت تمدن غربی را فراگیرند و به وسیله معلومات و کشفیات تازه خویش، نظام فرهنگ و تمدن اسلام را در ضمن مبادی و اصول اسلام اصلاح کنند تا خسارت بزرگی که از ناحیه جمود فکری و عملی ایشان بر پیکر جامعه اسلامی وارد شده تا حدودی جبران شود.

#### ۱-۲-۳. توجه زمان و مکان

او معتقد است که اگر قرار است به پیامبر و مسلمانان صدر اسلام (صحابه) تاسی

جویم، اندیشه، مواضع و دیدگاههای آنها با دانش و اندیشه زمانشان سازگاری داشت؛ بنا بر این باید از این اصل که باعث پویایی در اندیشه دینی می شود تبعیت کنیم.

#### ۴-۲-۱. توحید راه اصلاح

اسلام در اندیشه مودودی، نظامی جامع، کامل و فراگیر است که به تمام شئون زندگی بشر نظر دارد و «هرگز مجموعه‌ای درهم‌ریخته از افکار پراکنده و روش‌های رفتاری نامربوط نیست ... بلکه سیستمی بسیار منظم و کلیتی به‌هم‌پیوسته است که بر مجموعه معینی از اصول روشن و مشخص، استوار می‌باشد». (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۸ و ۹) در این نظام فکری جامع و کامل، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله اعتقادی «مسئله توحید» است که در روند زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان تأثیر مستقیم و حیات‌بخش دارد. (مودودی، ۱۳۴۳ش: ۹۰) ابوالاعلی با بیان اینکه مادامی که این فساد در رگ و ریشه حیات اجتماعی سرایت و نفوذ داشته باشد، هیچ قانون و نقشه‌ای نمی‌تواند در قلع و قمع جرثومه‌های شر و مفسد فردی و اجتماعی مؤثر باشد، (مودودی، ۱۳۴۸ش: ۳۰) تنها راه خلاصی از این مصیبت را پناه‌آوردن به توحید حقیقی معرفی می‌کند. (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۲۳)

به باور مودودی اصل و اساس هر اصلاحی، پیروی از پروردگار بی‌همتا است و هیچ‌کس جز ذات پاک او، شایسته و سزاوار تشریح و قانون‌گذاری نیست؛ از این رو پیامبر<sup>ه</sup> در آغاز نهضت الهی‌شان، همه کوشش خود را منحصر در دعوت توحید و کلمه «لا اله الا الله» قرار دادند و کوچک‌ترین عنایتی به حل دیگر مشکلات ابراز نفرمود. (مودودی، ۱۳۴۸ش: ۳۰ و ۳۲).

#### ۵-۲-۱. حکومت اسلامی

مودودی در باب حکومت اسلامی معتقد است که فرد در جامعه اسلامی به تنهایی و در تفرّد خود نمی‌تواند راه به صلاح ببرد. وی سه گانه‌ای را مطرح می‌سازد که در ترکیب با هم این صلاح را امکان‌پذیر می‌کنند: اقامت دین، امامت صالحه و حکومت

الهیة. وی ارتباط دین و سیاست را در اسلام همانند ارتباط ریشه با ساقه و شاخه با برگ درخت می داند و معتقد است هیچکدام از اجزای سیاست، اقتصاد، اجتماع و دین را نمی توان نظامهای مجزایی در نظر گرفت. آنها اجزای یک نظام هستند که در کنار هم حیات می یابند. هنگامی که مودودی از دولت اسلامی سخن می گوید، منظورش واحد ملی خاصی نیست. حتی از پاکستان نیز سخن نمی گوید. آنچه که وی در نظر دارد، دولتی در چارچوب اُمت است. از نظر وی، دولت اسلامی مفهومی اخلاقی و ایدئولوژیک است و مرزهای ملی برساخته های استعمار محسوب می شوند.

دولت اسلامی از نظر وی خلافت دموکراتیک یا دموکراسی دینی است. وی از این نظر حکومت اسلامی را دموکراتیک می داند که رهبر آن از سوی مردم انتخاب می شود. دموکراسی دینی توسط گروه خاصی (مثلا فقها) اداره نمی شود. بلکه در اختیار مردم عادی قرار دارد. ولی در این حکومت، قوانین بر اساس قرآن و سنت وضع می شوند و حکومت بر این اساس صورت می گیرد

در باور ابوالاعلی، برپایی «حکومت الهی» و اجرای نظام زندگی الهی، هدف نهایی رسالت انبیا در دنیا است و تمام فسادها و تباهی های زندگی اجتماعی، از فساد حکومت ها شرچشمه می گیرد که یا خود شایع کننده آن است و یا به وسیله آن شایع می شود (مودودی، ۱۳۴۶ش: ۱۰). وی با انتقاد از کسانی که تشکیل حکومت را وظیفه

نمی دانند، بلکه وعده ای می دانند که خدا به متقین داده است، می نویسد: کسانی که چنین تصویری دارند، نمی دانند که اجرای عملی دین خدا احتیاج به تشکیل حکومت دارد؛ از این رو قیام برای برپایی حکومت دینی در شریعت نه تنها مطلوب و مقصود است، بلکه جهاد برای آن اجب می باشد. (مودودی، ۲۰۱۰م: ۴۱) از این رهگذر مودودی موضوع

لزوم حکومت را در بسیاری از نگاشته‌هایش هم از منظر عقلی و هم از منظر غیر عقلی مورد بحث و بررسی قرار داده است. (مودودی، ۲۰۱۰م: ۴۰)

حکومت اسلامی مورد نظر مودودی، حکومتی ایدئولوژیک است؛ در نتیجه امور آن را باید کسانی اداره و تدبیر کنند که به مبانی و اصول آن اعتقاد داشته باشند. هرکس که به اسلام ایمان داشته باشد و شریعت را مبنای زندگی خود قرار دهد، می‌تواند به جرگه حکومت‌کنندگان بپیوندد؛ اما کسانی که مسلمان نیستند، هیچ حقی در این خصوص ندارند. (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۳۸)

هدف حکومت اسلامی، تنها برقراری امنیت و نظم نیست؛ بلکه اهداف دیگری دارد که عبارتند از حفظ مال و جان و ناموس شهروندان؛ حفظ آزادی‌های شخصی؛ فراهم کردن احتیاجات ضروری فرد فرد مسلمانان ساکن؛ استقرار عدالت و ریشه‌کردن ستم؛ برقراری احکام و برپایی نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر؛ پرورش اخلاق و صفات پسندیده و سرکوبی پلیدی‌ها. (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۳۵ - ۳۶)

مبنای یک‌پارچگی نظام اسلامی، اصول فکری و عقیدتی است، نه شاخص‌های قومی، زبانی، تاریخی و سرزمینی؛ از این رو مرزهای حکومت اسلامی در نظر مودودی، اعتقادی است نه جغرافیایی.

#### ۱-۲-۶ رهبری

به نظر او وقتی نهضت‌های آزادی بخش در بلاد اسلامی آغاز شد پس از آن که مسلمانان از نقشه‌ها و آثار شوم غرب آگاه شدند و ندای آزادبخواهی از زیر یوغ استعمار را سر دادند. اوضاع چنین ایجاب می‌کرد که رهبری این جنبش‌ها را کسانی که آشنا به زبان، عادات و آداب مبارزان و جنگجویان بودند و راه نفوذ در آنان را می‌دانستند به عهده بگیرند. انتصاب این گونه افراد به مقام رهبری مولود وضع سیاسی

و اجتماعی کشورها بود و مسلمانان ناچار باید در برابر آنان تسلیم می شدند اما کسانی که فارغ التحصیل مراکز دینی بودند و به عبارت صحیح تر فارغ التحصیل نظام آموزشی قدیم در این دوره از زمان، قدرت رهبری مسلمانان را نداشتند و نمی توانستند در بخش های آزادی شرکت کنند لذا مسلمانان به ناچار رهبری دسته اول را قبول کردند و مبارزه را آغاز نمودند که البته این یک نیرنگ و ظاهر سازی بیش نبود چرا که بعد از استقلال ماهیت اصلی رهبران غرب زده مشخص شد و آنان در اولین بیانیه ها اسلام را کنار زدند. (مودودی، ۱۳۴۹ ش: ۵۲-۴۹).

#### ۱-۲-۷. خلافت همگانی

وی با استناد به آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور/ ۵۵) نظریه «خلافت» را با تفسیری نو و منحصر به فرد، مطرح کرده و می گوید:

در محیط اسلام و در قلمرو نفوذ آن، تنها حقی که برای بشر محفوظ است این است که کلیه وظایفی را که بر عهده دارد، به عنوان خلیفه و نماینده خداوند متعال انجام دهد و این خلافت دو صورت دارد:

۱. آن خلیفه و جانشین، فرستاده خدا باشد؛ ۲. آن خلیفه و جانشین، کسی باشد که آنچه فرستاده خدا به عنوان شرع و قانون الهی ابلاغ کرده است، بتمامه تبعیت و اجرا کند. (مودودی، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۳)

مولانا مودودی به این آیه شریفه در جای جای نوشته هایش استناد کرده و از آن «نظریه حکومت» و همچنین موارد ذیل را استخراج کرده است:

۱. از آنجایی که از دیدگاه اسلام، حاکمیت فقط از آن خداست، قرآن کریم از حکومت هایی که حاکمیت قانونی خدا را اجرا می کنند، با واژه «خلافت» تعبیر کرده

است؛ به این معنا که حکومت‌های مشروع، از خود هیچ قدرتی ندارند و صرفاً نیابتی از قدرت و حاکمیت مطلق الهی را دارا می‌باشند: (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۴۱)

۲. خطاب آیه شریفه، به همه مؤمنان بوده و خلافت به شخص، گروه، طبقه یا نژاد و ملت خاصی اختصاص ندارد؛ در نتیجه همه مؤمنان، شایسته امر خلافت هستند؛ (مودودی، ۱۳۵۷ش، ص ۴۰) این حق را باید تمام افراد به رسمیت بشناسند و همه باید حرمت و احترام آن را پاس دارند و کسی حق ندارد دیگران را از این حق محروم کند. (مودودی، ۱۳۶۵ش: ۱۰۱ / ۲ - ۱۰۲)

۳. مسلمانان می‌توانند حق مذکور را به یک نفر به‌عنوان جانشین خود واگذارند و آن شخص بر اساس آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات / ۱۳) انتخاب خواهد شد؛ یعنی تنها شخصی می‌تواند به مقام رهبری انتخاب شود که از اعتماد کامل عموم مسلمانان برخوردار باشد. (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۴۵) رضایت افراد به سوی هرکس که معطوف شود، وظایف خلافت از سوی آنان به او انتقال می‌یابد و او نماینده همه خلفا و خداوند بر روی زمین خواهد بود.

البته این انتقال حاکمیت، مشروط به تداوم رضایت مسلمانان و رعایت اصول شریعت از سوی خلیفه است. هرگاه خلیفه اعتماد عمومی را از دست دهد یا احکام الهی را زیر پا نهد، از منصب خلافت عزل می‌شود. همچنین خلیفه از انتقاد مبرا نیست. هر فرد مسلمانی حق دارد به فعالیت‌های عمومی حاکم، بلکه به زندگی خصوصی او نیز انتقاد کند (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۴۵)

۴. در چنین نظامی، محملی برای بروز و توجیه پدیده دیکتاتوری و استبداد به چشم نمی‌خورد؛ زیرا اساس مشروعیت خلیفه، رضایت عموم مسلمانان است. همچنین

حاکم و خلیفه باید در چارچوب شرع و قوانین خدا حکومت کند؛ در غیر این صورت از مقام خلافت سلب می‌شود. (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۴۱)

۵. اساس واقعی دموکراسی در اسلام، در همین «خلافت همگانی» نهفته است؛ همچنین فکر تشکیل حکومت انتخاباتی در اسلام، از همین جا سرچشمه گرفته که هر فرد از افراد اجتماع، سهمی در خلافت داشته و حق بهره‌برداری از آن را دارد. (عراقچی، ۱۳۷۸ش: ۸۸).

#### ۱-۲-۸. اصطلاحات چهارگانه در قرآن

مودودی در کتاب «اصطلاحات چهارگانه در قرآن» در سال ۱۹۴۱ میلادی ادعاهایی کرد که تا پیش از او وجود نداشتند.

او مدعی شد که پس از عصر نزول قرآن، "مفاهیم اساسی قرآن" که از نظر او، عبارت‌اند از «اله» و «رب» و «دین» و «عبادت»، در درازای سده‌های متوالی از نظرها مخفی ماند و مسلمانان نسبت به آن‌ها دچار سوء تفاهم شدند و به کنه معانی آن‌ها پی نبردند.

آن‌ها «اله» را به معنای بت و «رب» را به معنای پروردگار و «عبادت» را هم معنی خداپرستی و قربانی کردن و سجده و نماز و «دین» را مذهب پنداشته‌اند.

یعنی تمام تاریخ اسلام، پر از جهل و ضلالت و انحطاط بوده‌است. او همچنین

ادعا کرد که مفاهیم اساسی قرآن، حاکمیت و سلطه «اله» و «رب» است و دین و عبادت راه‌هایی برای رسیدن به این دو هستند.

مودودی در این کتاب تصریح می‌کند که هیچ‌کدام از عبادات اسلامی مانند نماز، روزه، زکات و حج اموری مطلوب لذاته نیستند و تنها ابزاری برای تشکیل حکومت اسلامی هستند.

#### ۱-۲-۹. جهاد

از نظر مودودی جهاد، درحقیقت مبارزه‌ای انقلابی با عوامل ضدانقلاب است که مانع رسیدن به اهداف عالی اسلام هستند. به عبارت دیگر «جهاد، کوششی است مستمر و مبارزه‌ای است پیگیر در طریق تأمین نظام حق». (مودودی، ۱۳۴۶ش: ۲۲) به زعم مودودی، مسلمانان باید پس از ایمان آوردن به حقانیت اسلام، تمام تلاش خود را در راه استقرار آن به کار گیرند؛ چه آنکه مسلمان واقعی نمی‌تواند شاهد حاکمیت و برپایی نظام جاهلیت باشد و اگر راضی بر آن باشد، درحقیقت مؤمن نیست؛ اگرچه با خضوع و خشوع کامل نماز بخواند و روزه بگیرد. (مودودی، ۱۹۹۲م: ۳۰۶).

#### ۱-۲-۱۰. انقلاب اسلامی

مبارزه با مظاهر جاهلیت در جوامع اسلامی و در میان مسلمانان را با جهاد فرهنگی و انقلاب فکری و اخلاقی، امکان‌پذیر می‌دانست و بر اهمیت و لزوم تجدید دین به وسیلهٔ مجددان واقعی تأکید فراوان می‌کرد. (مودودی، ۲۰۱۰م: ۴۸)

ابوالاعلیٰ از این جهاد اسلامی گاهی با نام «انقلاب اسلامی» یاد می‌کند و گاهی «جهاد علمی و فرهنگی» و معتقد است این کار یک انقلاب ذهنی، معنوی و علمی مبتنی بر الگوی تعلیم و تربیت اسلامی است که گام‌به‌گام تحقق می‌یابد و در حد امکان از خشونت فیزیکی به دور است. در واقع انقلاب از دیدگاه مودودی، تغییر تدریجی بنیادین در جهان هنجاری، ارزشی، ذهنی، روحی و معنوی تک‌تک افراد جامعه و بازسازی آن بر مبنای اندیشه‌ها و جهان‌بینی اسلامی است. (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۴ش: ۵۱/۲)

می‌گوید: «اسلام همچنان برای قدرت مندی خود دلیل دارد. هر انقلابی از انقلاب های آزادیخواهانه ی راستین که به وقوع پیوسته است تنها با تکیه بر آیات قرآن و



ارشادات شریعت اسلامی بوده است. در این جنبش های آزادیخواهانه حرکت های صادقانه ای وجود داشته که در ظاهر و باطن لبریز از محبت دین بوده است. جنبش های دروغین نیز وجود داشته اند که ندای دین سر می دادند تا مومنان را جذب کنند اما در باطن خود دشمن دین بوده اند و با آن ابراز خصومت کرده اند و دلیل آن نیز عدم اجرای شریعت اسلامی بوده است» (البیومی، بی تا: ۵۲).

#### ۱-۲-۱۱. آزادی اجتماعی

ابوالاعلی به صورت تلویحی تأیید می کند که برقراری آزادی مطلق در نظام اجتماعی انسان ها ممکن نیست. او در این باره می گوید: اینکه در اسلام، حق قانون گذاری منحصر در خداوند است و پروردگار متعال حق وضع قانون را از انسان ها سلب کرده، درحقیقت در راستای پاسداشت حق آزادی است، نه سلب آزادی؛ زیرا خداوند متعال می دانست محدوده علم انسان ها اندک است و واگذاری حق قانون گذاری به انسان در واقع گمراه کردن او و تیشه به ریشه انسان زدن است؛ ازاین رو خود پروردگار به جهت آگاهی کامل از چند و چون آفریده ها قانون جاودانه آنان را پی ریخت و آن را در قالب ادیان الهی برای بشر به ارمغان آورد. (مودودی، ۱۳۵۷ش: ۳۰)

وی اشاره می کند که با ظهور اسلام و ترویج اصل توحید، حق آزادی رأی و روحیه آزادی در مسلمانان ایجاد شد؛ اما متأسفانه با تبدیل خلافت اسلامی به امپراتوری و پادشاهی، آزادی رأی تا حدود زیادی از بین رفت و محیط اختناق و یک صدایی و سرکوبی مخالفان در دوران حاکمیت معاویه و با کشته شدن «حجر بن عدی» آغاز شد و سالیان متمادی ادامه پیدا کرد. (مودودی، ۱۴۰۵ق: ۱۰۵)

براین اساس ایشان یکی از انگیزه های قیام امام حسین (ع) را نبود آزادی در انتخاب

خلیفه و نبود آزادی عقیده در دوران اختناق شدید حاکمیت یزید دانسته است. (مودودی، ترجمه سعیدی، بی تا: ۵۶ - ۶۷).

#### ۱-۲-۱۲. زنان و آزادی سیاسی - اجتماعی

به زعم مودودی زنان بر اساس فطرتشان، برای وظیفه خطیر خانه‌داری آفریده شده‌اند و نباید برخلاف فطرت اولیه‌شان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بپردازند. (مودودی، ۱۳۴۹ش: ۲۶۵) ایشان برای اثبات ادعای خویش شواهدی از قرآن و حدیث ذکر کرده و بیان می‌کند: آیه شریفه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری / ۳۸) شامل زنان نمی‌شود؛ زیرا آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء / ۳۴) آن را محدود می‌سازد. بدین ترتیب قرآن مجید فعالیت در مجلس شورا را که در واقع سرپرست و کاراندیش تمام ملت است، به روی زنان می‌بندد. طبق دلالت شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و حدیث نبوی «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ إِمْرَأَةٌ» (بخاری، ۱۴۲۳ق، حدیث ش ۴۴۲۵) پست‌های حکومتی - اعم از ریاست، وزارت و یا عضویت مجلس شورا و امثال آن - به زنان تفویض نشده است. (مودودی، ۱۳۵۱ش: ۱۴۵ - ۱۵۴).

#### ۱-۲-۱۳. موعود گرایی

اندیشه مودودی دارای ابعاد موعودگرایانه نیز می‌باشد. از نظر وی، مهدی فرد خاصی نیست که در آخرالزمان ظهور می‌کند. بلکه از نظر وی، مهدی مجددی است که در هر صد سال ظهور می‌کند و دین خداوند را تجدید می‌کند. وی ویژگیهایی را برای مهدی مورد نظر خود در نظر می‌گیرد که از جمله آنها تقوی، قریشی بودن، تدبیر و توانایی اداره امور و ویژگی‌هایی از این قبیل است.

## ۲. آشنایی با آراء و اندیشه‌های سید محمدحسین فضل‌الله

سید محمدحسین فضل‌الله در سال ۱۳۱۴ ش در نجف متولد شد. پدرش سید عبدالرئوف فضل‌الله از مراجع مذهبی شیعه- در عراق بود. در سن ۹ سالگی تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. درس خارج مراجع آن دوره مانند سید ابوالقاسم خویی، سید محسن حکیم، سید محمود شاهرودی رفت. بخشی از کتاب (اسفار اربعه) را نزد صدرا بادکوبه‌ای فرا گرفت و مدت پنج سال نیز این درس را از سید محمد باقر صدر فراگرفت (قیسی، بی تا: ۴)

فضل‌الله در سال ۱۳۳۱ ش در سن ۱۷ سالگی برای نخستین بار به لبنان رفت و در سال ۱۳۴۵ ش جمعی از موسسان انجمن مذهبی در منطقه نبعه در حاشیه شرقی بیروت، از فضل‌الله دعوت کردند تا در آن منطقه ساکن شود. وی این دعوت را پذیرفت و به قصد اقامت دائم به وطن اصلی خویش بازگشت (مجله حوزه، شماره ۲۵، ص ۲۹).

### ۲-۱. آثار علمی

از سید محمدحسین فضل‌الله بیش از هفتاد عنوان کتاب - که در مجموع به بیش از یکصد جلد می رسد- منتشر شده است.

برخی از آثار ایشان عبارتند از:

- ۵۱ - فقه الحیاء، کتاب الجهاد، فقه الشریعہ (رساله‌ی علمیه)، خطوات علی طریق الاسلام، قضایانا علی ضوء الاسلام، الاسلام و منطق القوه، الحركه الاسلامیه، هموم و قضایا، مفاهیم اسلامی عامه (۱۰ جلد)، فی آفاق الحوار الاسلامی المسیحی، تأملات اسلامیة حول المرأة، الوحدة الاسلامیة بین الواقع و المثال، قضایا اسلامیة معاصره، المرجعیة و حركه الواقع، الاسلام و المسیحیة، الاسلام و فلسطین، الاسلامیون و

التحديات المعاصرة، حوارات فی الفكر و الاجتماع و السياسه، المعالم الجديده للمرجعيه الشيعيه، تأملات فی الفكر السياسي الاسلامي، المقاومة الاسلاميه. یکی از مهمترین آثار قرآنی وی تفسیر من وحی القرآن است که در ۲۴ جلد به چاپ رسیده است. این تفسر گرایش اجتماعی دارد.

فضل‌الله در ارتباط با روش علمی در تفسیر قرآن می‌نویسد: من با روش کسانی که برخی آیات قرآنی را بر اساس نظریات علمی تفسیر می‌کنند، موافق نیستم، زیرا نظریات علمی در حال تغییر و تحول اند، درحالی که حقایق منطقی و بدیهی تغییر نمی‌کند، از این رو غالباً اعتماد به نظریات علمی به مثابه حقایق و تاویل قرآن بر اساس نظریه ای معین درست نیست، پس از مدتی اگر آن نظریه باطل شد، چگونه با مسئله مواجه می‌شویم، در حالی که قرآن را مطابق نظریه نخست تاویل و تفسیر کرده ایم، قرآن کتاب نظریات نیست، در قرآن اشاراتی وجود دارد که گاه با برخی نظریات وسایل علمی مرتبط است. (فضل‌الله، ۲۰۰۹م: ۴۷).

#### ۲-۲. اندیشه‌های سید محمدحسین فضل‌الله

##### ۲-۲-۱. سیاست

از دیدگاه فضل‌الله سیاست به مجموعه کنش‌هایی گفته می‌شود که معطوف به اداره و تدبیر امور مردم از موضع قدرت یا از موضع معارضه با قدرت و یا حمایت از قدرت حاکم است.

فضل‌الله هدف سیاست را همان هدف عمده ادیان الهی که اقامه عدل و قسط است می‌داند و معتقد است عدل: خلاصه و روح شریعت اسلام است و هدف سیاست باید برپایی عدل باشد.

عدالت به معنای برخورداری هر کدام از عناصر هستی از حق خویش است که در سیاست به ادای حقوق مردم و حق حاکم تعریف می شود. (مرادی، ۱۳۸۱ش: ۴۳).

#### ۲-۲-۲. رابطه دین و سیاست

علامه فضل الله بر این باور است که اسلام برای دو کار عمده آمده است: یکی، نشر و ترویج دعوت و دیگری، تأسیس دولت.

اسلام بر روی زمین و در عرصه زندگی انسان ها پا گرفت تا دعوت خدا را بر روی زمین بگستراند و با چنین دعوتی به انسان ها بشارت دهد و نیز بر اساس چنین دعوتی، دولتی را پایه گذاری کند که تنظیم و هدایت زندگی انسان ها را تأمین و انسان را از شر خود او و هموعان او حفاظت کند؛ از این رو ماهیت دولت در اسلام جدا از روح و بستر دعوت نیست، بلکه همانند پیوند رود با سرچشمه اش کاملاً با آن هماهنگ است. حتی می توان گفت که دعوت روح و دولت پیکر آن است و در نتیجه پیکر روح را تغذیه می دهد و قائم بدان است.

از دیدگاه فضل الله، ماهیت دعوت - از آن رو که رسالتی معنوی و فکری است - ایجاب می کند تا فرصت کافی برای فکر فراهم شود تا بیندیشد و راه مناسب در برابرش گشوده شود تا باور کند و فضای متناسب ایجاد شود تا احساس کند و ایمان بیاورد؛ از این رو وظیفه مبلغ و پیشوا - در حوزه دعوت - فراهم آوردن ابزارهای متناسب با این وظیفه برای رسیدن به هدف است.

اما ماهیت دولت - از آن رو که نهادی معنوی، مادی و عهده دار نظم بخشی به زندگی مجموعه ای از انسان ها و تأمین امنیت و سلامت آنهاست - مقتضی فراهم آوردن نیروهایی است که این نهاد را حمایت و تثبیت می کند. اسلام با توجه به تفاوت

ماهیت و محتوای این دو (دعوت و دولت)، برای هر کدام برنامه‌های متناسب با آن دارد و روش‌هایی را وضع کرده که با ماهیت آن سازگار است. (فضل‌الله، ۱۹۹۸م: ۲۴).

#### ۲-۲-۳. حکومت اسلامی

از دیدگاه علامه فضل‌الله کار مهم حکومت اسلامی بستر سازی برای پیاده شدن و عملی شدن ارزش‌های اخلاقی و فکری است و این، تحقق حکومت اسلامی را ایجاب می‌کند

حکومت در اسلام حکومت الهی یا یزدان سالاری بدان معنا که در غرب شناخته شده که بر اساس آن حاکم به نام خدا و به نام سلیقه شخصی خویش حکومت می‌کند نیست، بلکه اسلام حکومت را وظیفه‌ای اجتماعی می‌داند که بر اساس آن شیآن و جایگاه رهبری، روبه رو شدن با مسائل جامعه از دریچه شریعت اسلامی است، به طوری که رهبر هیچ‌گاه نمی‌تواند با نادیده گرفتن اصول موضوعه حکومت در اسلام از قدرت استفاده شخصی کند

#### ۲-۲-۴. آزادی

علامه فضل‌الله معتقد است اسلام به آزادی اندیشه به عنوان بخشی از آزادی‌های عمومی در عرصه زندگی اجتماعی ایمان دارد؛ اما این آزادی در اندازه‌ای قابل تحمل است که به نظم و نظام اجتماعی آسیب نرساند؛ از این رو باید ظرفیت‌های اجتماعی در جامعه‌ای که اسلام بر آن حاکم است لحاظ و جانب احتیاط نگه داشته شود. (فضل‌الله، ۱۳۷۷ش: ۳۳).

نظام اسلامی همانند هر نظام متعهد دیگری، به دشمنان آزادی، آزادی نمی بخشد، بلکه آزادی را به آزاد اندیشان هدفمندی می دهد که سنگینی بار مسوولیت سرنوشت انسان ها را احساس می کنند.

البته دایره این آزادی و مسوولیت به گونه ای است که زمینه تعالی و رشد انسان ها را فراهم آورد، نه آن که چندان بسته که دریچه های تفکر را به روی انسان ها ببندد. ایشان مفهوم آزادی در اسلام را ممزوجی از آزادی و التزام دانسته و تاکید می کند که آزادی اسلامی نه آزادی مطلق و نه التزام و تحجز مطلق است. (فضل الله، ۲۰۰۲م: ۱۱۸).

#### ۲-۲-۵. نگاه متفاوت به زن

سید محمدحسین فضل الله حقوق زنان را به گونه ای متفاوت در نظر می گیرد و معتقد به اجحاف تاریخی در حق زنان است.

از نظر او زن در طول تاریخ مظلوم بوده است با اینکه عقلش مثل مرد است و توانایی اش مثل توانایی مرد، ولی از صحنه معرفت و تجربه کنار گذاشته شده و بازیچه و کنیز مرد در نظر گرفته شده است.

او در فتاوی جداگانه، حقوق فقهی متفاوتی برای زنان قائل شده است از نظر او زن بالغه و رشیده مثل مرد بالغ و رشید است و هر کدام از آن دو در مسائل مالی زندگی شخصیت قانونی مستقلی دارند.

از نظر فضل الله، زن بالغه و رشیده در مورد ازدواج خود از پدر و جد پدری و برادر خود مستقل است؛ مثل مرد بالغ و رشید و مشورت گرفتن از پدر جنبه استحبابی دارد و الزامی نیست.

واز منظر او زن حق دارد به عنوان دفاع از خود، خشونت شوهرش را پاسخ بگوید؛ یعنی اگر مرد به خشونت حقوقی علیه زن دست زد و او را از بعضی حقوق زناشویی‌اش مثل نفقه یا عمل جنسی بازداشت، زن نیز به صورت خودکار حق دارد که مرد را از حقوقی که بواسطه عقد بدان ملتزم شده است، بازدارد. او همچنین معتقد است: «جایز نیست که مرد با سوءاستفاده از ضعف زنش علیه او دست به خشونت بزند... من زنان را تشویق می‌کنم که ورزش‌های قدرتی یاد بگیرند تا بتوانند از خودشان دفاع کنند.» (فضل‌الله، ۲۰۰۹م: ۳۷۰-۳۷۴).

#### ۲-۲-۶. وحدت مسلمین

«مشکل ما مشکل سنی و شیعه نیست، بلکه مشکل ما استکبار جهانی و اسرائیل است.» این سخن سید محمدحسین فضل‌الله در مصاحبه با شبکه OTV در فروردین ۸۷ است.

به روزنامه سعودی «عکاظ» می‌گوید: «ما به ارتداد صحابه از اسلام اعتقاد نداریم؛ زیرا در این باره پیرو امام علی (ع) هستیم که با صحابه ارتباط داشت و با ایشان همکاری می‌کرد. او حتی در بزرگداشت بعضی از آن‌ها مشارکت ورزید و چون اینان مسلمان بودند در نصیحت ایشان کوشید. حتی خطاب به خلیفه عمر گفت: محور باش و آسیاب عرب را بچرخان.»

در مهر ۸۴ فتوای خود را برای خبرنگار روزنامه کویته «الرای العام» اینگونه بیان می‌کند: «به حرمت دست زدن به هر نوع شیوه‌ای که صحابه را زیر سؤال برده و با استفاده از سب و لعن موجب برانگیخته شدن اختلافات شود، فتوا می‌دهم»

مسلمانان همه سرپرست یکدیگر و همه در برابر یکدیگر مسئول هستند، امتیاز یک مسلمان به رنگ و نژاد او نیست بلکه همه ما فرزندان حضرت آدم هستیم،



مسلمانان از اختلاف و کینه باید پرهیز کنند و باید با یکدیگر وحدت داشته و برای رفع مشکلات مستضعفین بکوشند (فضل الله، ۲۰۰۱م: ۱۳۴)

در بُعد اساسی منظور از وحدت میان مسلمانان در اندیشه علامه فضل الله به معنای وحدت میان مذاهب نیست، بلکه منظور این است که مسلمانان در موضوعات مشترک همچون مسئله فلسطین در برابر دشمن خارجی وحدت داشته باشند. (غسان بن جدو، ۲۰۰۱م: ۱۶۴).

#### ۲-۲-۷. عزاداری مذهبی

سید محمدحسین فضل الله به روزنامه کویتی «الوطن» گفته است: «سینه زنی سستی مرسوم که باعث اذیت بدن می شود اشکال دارد.»

می گوید: «قمه زنی حرام است... زنجیر زنی را نیز حرام کرده ام.»

نگاه فضل الله به عزاداری و هدف از آن را می توان در همین گفتگو دید که ادامه داده است: «اگر می خواهید با آن حضرت همدردی کنید برای مقابله با اسرائیل بشتابید.»

#### ۲-۲-۸. انقلاب

علامه فضل الله همیشه بر نقش مردم در تعیین سرنوشت خود تاکید داشتند و معتقد بود که اگر کشوری بخواهد از سلطه ظلم و ستم ظالمان رهایی یابد، باید مردمش علیه حاکمان خود قیام کنند، زیرا خداوند نیز سرنوشت قومی را تغییر نخواهد داد، مگر اینکه خود خواهان تغییر باشند (فضل الله، ۲۰۰۱م: ۱۵۵)

ایشان کسانی را که در برابر حاکمان ظالم تسلیم می شوند و به ستایش آنها می

پردازند، شریک جنایات حاکمان می داند (فضل الله، ۲۰۰۱م: ۸۱)

**۲-۲-۹. وظیفه علما**

مسئولیتی که ما در برابر اسلام داریم، بر ما ایجاب می کند که با حکمت و موعظه نیکو و تجسم عینی دادن به ارزشها در زندگی شخصی خود و در رابطه با دیگران، مبلغ اسلام باشیم و عینیت این سخن امام صادق (ع) باشیم که مردم را با غیر زبان خود به سوی ما دعوت کنید تا صدق و خیر و پرهیزگاری را در شما ببینند که این خود فرا خواننده مردم است. (فضل الله، ۲۰۰۹م: ۵۷).

**۲-۲-۱۰. توجه به زمان و مکان**

از دیدگاه فضل الله جامعه و فرهنگ چنان تاثیری بر ذهن مجتهد می گذارد که گاه وادارش می کند تا نصوصی را که دلالت بر منع دارد بر نصوصی که دلالت بر رخصت (جواز) دارد غلبه دهد (فضل الله، ۲۰۰۹م: ۱۵۲)

علامه فضل الله معتقد است که حرکتی تغییر گرا و تجدید گرا باید به راه افتد و بکوشد تا طلبه حوزه را از غرق شدن در قواعد و اندیشه و روش گذشته، نجات بخشد، این البته به معنای تمرد بر کل گذشته نیست، بلکه مقصود این است که گذشته ای را که محصول تجربه رجالی است که تحت تاثیر محیط و فرهنگ خاص خود بوده اند و دستاوردهای فکری شان پژواک محیطشان بوده است، جاودانه فرض نکنیم، حال و آینده ما می تواند پذیرای آفاق و افکار جدید و متفاوت از گذشته باشد. (فضل الله، ۲۰۰۹م: ۲۶۶).

**۲-۲-۱۱. مدارا میان ادیان**

علامه فضل الله تقریب مذاهب اسلامی برا به مثابه تلاشی فرهنگی برای نشان دادن تنوع فکری، کلامی، تاریخی و فقهی و مبنایی علمی برای فهم مشترک و تاکید بر مواضع اصولی مشترک می داند، از منظر وی حرکت های تقریبی، نقش مهمی در تبیین

رویکردهای فکری و ایجاد همگرایی در عناصر فکری آن دارد و انگاره های تکفیری را از ساحت نهادهای دینی دور نموده و امنیت سیاسی را برقرار می کند به همین جهت ایشان آشنایی با شیوه گفتگو در قرآن را ضروری می داند زیرا این روش قرآنی اوج واقع گرایی عقلانی است که در آن طرف مقابل گفت و گو محترم شمرده شده و طرفین بحث را از دایره خود بیرون می برد و به آفاق اندیشه می کشاند تمرکز بر این شیوه حتی موجب دست یابی به نقاط مشترکی میان پیروان ادیان با کسانی که به هیچ دینی باور ندارند می شود. (علیزاده، ۱۳۸۹ش).

#### ۲-۲-۱۲. نفی سلطه طلبی

از نظر فضل الله با توجه به مبنای برهان ابطال سلطه طلبی در قرآن، از آنجاکه همه انسان ها از حقیقتی واحد برخوردار هستند، پس وجهی برای ترجیح کسی بر دیگری نیست مگر اینکه به همان مقدار که خواسته و اراده فردی مورد توجه است، خواسته و اراده دیگران نیز مورد عنایت قرار گیرد و نظام اجتماعی بتواند استقرار پیدا کند، در این نگرش برابری حقیقی، برابری در آفرینش، برابری در جوهره انسانیت و برابری در امکان رشد و تکامل است و بحث تبعیض نژادی، تبعیض طبقاتی، تبعیض جنسیتی و قومیتی نفی می شود. (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۶/ ۴۵۹).

#### نتیجه:

سید محمد حسین فضل الله و ابوالاعلی مودودی دو مفسر و اندیشمند که متعلق به دو حوزه فکری اصلی در جهان اسلامی (تشیع و تسنن) می باشند که هر دو معاصر، فقیه و معتقد به انقلاب اسلامی می باشند و هر کدام در قالب و درون حوزه فکری خویش به بیان آرا و نظریه های خود پرداخته اند.

ابوالاعلی مودودی از اندیشمندان برجسته شبه قاره هند که اندیشه های ایشان تاثیر بسیاری بر عقاید و افکار مسلمانان منطقه و جهان اسلام گذاشته است و وی محرک و مشوق بسیاری از جریانات اسلامی به شمار می آید که در جهان اسلام به فعالیت های اجتماعی و سیاسی روی آورده اند. همچنین سید محمد حسین فضل الله از علمای اصلاحگر معاصر می باشد که در تفسیر خویش «من وحی القرآن» با ذهنی روشن و زبانی امروزی و نگاهی کارآمد به تبیین و تحلیل معارف دین بر اساس آموزه های قرآنی پرداخته است.

در بررسی اندیشه های این دو متفکر هر چند شباهت های زیادی در مباحثی همچون احیای اسلام، توجه به عنصر زمان و مکان، استعمارستیزی، لزوم حکومت اسلامی یافت گردید ولی تفاوت های بنیادینی که در اندیشه های این دو متفکر وجود دارد به مبانی و ساختارهای جداگانه مذاهب شیعه و اهل سنت ارتباط دارد که در طول تاریخ در قالب دو جریان فکری تشیع و تسنن رخ نموده است نمونه آن بحث امامت و ولایت فقیه در تشیع و خلافت در اهل سنت می باشد لذا در می توان تفاوت های اندیشه های این دو متفکر را ناشی از الزاماتی دانست که در ساختار مذاهب شیعه و اهل سنت وجود دارد و بخش دیگر از این تفاوت ها همچون اختلاف دیدگاهشان در ارتباط با مباحث اجتماعی زنان ناشی از عنصر زمان و مکانی می باشد.

## منابع:

قرآن مجید

بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.

البیومی، محمد رجب، النهضه الإسلامیه فی سیر أعلامها المعاصرین، دمشق، دار

القلم، بی تا

حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی،

تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰ ش.

رضایی اصفهانی، محمد علی، روشها و گرایشهای تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم

اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

عراقچی، سیدعباس، «اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلی مودودی و جنبش احیاطلبی

اسلامی»، مطالعات خاورمیانه، ش ۱۹

علیخانی، علی‌اکبر و همکاران، اندیشه سیاسی در جهان اسلام، تهران، جهاد

دانشگاهی، ۱۳۸۴ ش.

علیزاده، قدرت الله، هفته نامه سیاسی اجتماعی پنجره، سال دوم، شماره ۵۷، ۱۳۸۹

ش.

غسان بن جدو، خطابات الاسلامیین و المستقبل، بیروت، دار الملائک، ۲۰۰۱ م.

قبیسی، شیخ محمد ادیب، السیره الذاتیه للمرجع الدینی، بیروت، دارالتراث، بی تا.

فضل الله، محمدحسین، الاسلام و منطق القوه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات،

۲۰۰۲ م.

\_\_\_\_\_، آزادی و دموکراسی، قرائتی اسلامی، فصلنامه علوم

سیاسی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۷۷ ش.

\_\_\_\_\_، فقه الحیاه، حوار احمد احمد و عادل القاضی، بیروت،  
مؤسسه العارف، ۱۹۹۷ م.

\_\_\_\_\_، قصائد للاسلام والحیاه، بیروت، دار الملائک، ۲۰۰۱ م.  
\_\_\_\_\_، الاجتهاد بین اسر الماضی و آفاق المستقبل، بیروت،  
المركز الثقافی العربی، ۲۰۰۹ م.

\_\_\_\_\_، کتاب الجهاد (تقریر درس خارج)، بیروت: دارالملائک،  
۱۹۹۸ م

\_\_\_\_\_، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.  
گلسرخ، محمد رضا، و محمد رضا معماری، فرهنگ سیاسی لبنان، تهران، سفیر،  
۱۳۶۸ ش

گیلانی، اسعد، زندگینامه سید ابو الاعلی مودودی، ترجمه نذیر احمد سلامی، نشر  
احسان، ۱۳۸۰ ش

مرادی، مجید، اندیشه سیاسی آیت الله سید محمد حسین فضل الله، مجله علوم  
سیاسی، شماره ۱۸، ۱۳۸۱ ش

مودودی، ابو الاعلی، حسین رمز حقیقت و مظهر آگاهی، ترجمه سید غلامرضا  
سعیدی، قم، نشر حر، بی تا.

\_\_\_\_\_، اسلام و تمدن غرب، ترجمه ابراهیم امینی، تهران،  
انتشارات نوید، چاپ اول، ۱۳۴۸ ش.

\_\_\_\_\_، الجهاد فی الاسلام، اداره ترجمان القرآن، لاهور، بی تا.  
\_\_\_\_\_، الخلفاء و الملک، ترجمه خلیل احمد، پاهو، انتشارات

بیانن، ۱۴۰۵ ق.

\_\_\_\_\_، برنامه انقلاب اسلامی، ترجمه غلامرضا سعیدی، اصفهان،  
نشر خرد، ۱۳۴۸ ش.

\_\_\_\_\_، پایه‌های اخلاقی برای جنبش اسلامی، تهران، ۱۳۴۶ ش  
\_\_\_\_\_، تبیین مفاهیم اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه، اداره  
ترجمان القرآن، لاهور، بی تا.

\_\_\_\_\_، تجدید و احیای دین، اسلامک پبلی کیشنز، لاهور، ۲۰۱۰  
م

\_\_\_\_\_، تفسیر تفهیم القرآن، ترجمه کلیم الله متین، لاهور،  
المنصوره، دار العروبه، ۱۹۹۳ م.

\_\_\_\_\_، تفکر سیاسی در صدر اسلام از دیدگاه اهل تسنن، ترجمه  
نصر الله پور جوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ ش.

\_\_\_\_\_، تئوری سیاسی اسلام، ترجمه محمدمهدی حیدرپور،  
انتشارات بعثت، بی جا، ۱۳۵۷ ش.

\_\_\_\_\_، قانون اساسی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی، قم،  
موسسه مطبوعاتی دار الفکر، بی تا.

\_\_\_\_\_، مبادی اسلام و فلسفه احکام، ترجمه غلامرضا سعیدی،  
قم، دار الفکر، ۱۳۴۳ ش.